

نقدی بر شیعه‌شناسی وهابیان (۲)

بررسی منابع، اسناد، متون و دلالت حدیث غدیر در منابع عامه*

حسین احسانی فر^۱

معرفی

مطالعات ادعایی وهابیان درباره تشیع، با هدف بازطراحی شبهات گذشته، چند سالی است که با حمایت عربستان سعودی آغاز شده است. نوپردازی شبهه‌های پیشین، نونگاری پاسخ‌های علمی شیعه را می‌طلبد. نوشتار حاضر در دومین شماره خود با استناد به قرآن کریم و احادیث معتبر اهل سنت، به شبهات آقای حسین مؤید پاسخ می‌دهد. این نخستین بار است که شبهه‌های وی در قالب پیوسته مقالات علمی، پاسخ داده می‌شود.

آقای حسین مؤید، متولد ۱۳۴۳ خورشیدی در کاظمین است. او در کاظمین، نجف و قم به تحصیل علوم دینی پرداخت و توانست در قم، به تدریس خارج فقه و اصول مبادرت ورزد. با وجود داشتن ۱۲ کتاب فقهی و چندین مقاله علمی، همواره فتاوا و روش شاذ او دغدغه برانگیز بود. مؤید، پس از دوره‌ای به اردن و مصر رفت. در آن جا پرده از چهره برداشت و با وهابیان

* این نگاشته، همسو با فعالیت‌های واحد «اهل سنت» در پژوهشکده حدیث حوزه منتشر می‌شود.
۱. پژوهشگر و نویسنده حوزه علمیه قم.

هم صدا شد. او بارها علیه جمهوری اسلامی و حکومت شیعی بغداد موضع گیری کرد. همکاری پیوسته او با شبکه های ماهواره ای سلفیان مانند «وصال» و «نور» زبانزد است. وی از مدافعان حمله عربستان به یمن به شمار می رود. او به سلطان سعودی پیشنهاد داده که به ایران حمله کند و در نامه هایی رسمی، تلاش کرده اقوام عرب ایرانی را علیه جمهوری اسلامی بشوراند. سخنان بندر بن ترکی _ شاهزاده سعودی _ درباره حسین مؤید، حکایت از آن دارد که حضور وی در قم، با فعالیتش برای سرویس های جاسوسی رژیم بعث و آل سعود همراه بود.^۲

مقاله پیشین،^۳ به شبهه های سندی، تاریخی و دلالی وهابیان درباره حدیث منزلت پاسخ داد و گفته شد که گروه «احادیث منزلت»، مجموعه روایاتی است که در مناسبت های مختلف، مکان های گوناگون، موقعیت های متفاوت و برای مخاطبان مختلف، بیان شده و ریشه آن، وحی الهی و کلمات جبرئیل علیه السلام بوده است. این حدیث، قدسی است و راویان متعددی در طبقه صحابه دارد. تعدد نقل این روایات، به گونه ای است که تواتری مضمونی و حتی لفظی را شکل می دهد. بر اساس این متون، امام علی علیه السلام دارای همه مقامات جناب هارون علیه السلام جز مقام نبوت است. این ویژگی مخصوص زمان

۲. نک: تویبتر و سایت رسمی حسین مؤید (۹۴/۲/۱۲) و سایر صفحات رسمی وی در فضای مجازی مانند فیس بوک و ...
۳. «نقدی بر شیعه شناسی وهابیان (۱)»، فصلنامه علوم و معارف قرآن و حدیث، ش ۲، بهار ۱۳۹۴.

و مکانی خاص نیست و با توجه به صدور چندباره این روایت و زمینه های آن، همه زمان ها، مکان ها و موقعیت ها را دربر می گیرد. این گروه از روایات را می توان ذیل آیاتی که به مقامات جناب هارون علیه السلام می پردازد، معنا کرد و در این صورت، معنایی روشن از آن به دست خواهد آمد.

چکیده

حدیث غدیر، از جمله روایت های مشترک میان شیعه و اهل سنت است. بر اساس این حدیث، امام علی علیه السلام به عنوان امیر مؤمنان از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تعیین شد. اهل سنت پس از پذیرش این حدیث، دلالت آن را محدود به امامت معنوی و علمی یا دوران خلافت امام علی علیه السلام به عنوان خلیفه چهارم دانسته اند. اکنون عده ای از وهابیان، اصل وجود چنین حدیثی را منکر شده اند. برای پاسخ به این شبهه، نوشتار پیش رو با بررسی منابع، راویان، متون و دلالت حدیث غدیر، می کوشد جدیدترین حمله های وهابیان به ساحت امامت اسلامی را دفع کند. این نگاشته در پاسخ به گفته های حسین مؤید _ که از جمله وهابیان فعال در عرصه شبهه پراکنی است

—
نوشته شده است.

واژگان کلیدی: حسین مؤید، امامت، ولایت، سلفیان، کلام نقلی.

پیامبر ﷺ محور وحدت جامعه نو بنیاد اسلامی بود. ایشان با آگاهی از نیاز امت به وحدت همیشگی و با دستور قرآن، اهل بیت علیهم السلام را محور وحدت پس از خویش دانست. احادیث فراوانی که از رسول الله ﷺ درباره این موضوع نقل شده، نشان دهنده اهمیت پایایی هدایت امت از نگاه ایشان است. «حدیث غدیر» یکی از آن روایت هاست. بر اساس این حدیث، مانایی روش نبوی در هدایت امت، به همراهی با امام علی علیه السلام بستگی دارد.

تغییر دهندگان مسیر غدیر، همواره برای توجیه رفتار خویش در مخالفت با سنت رسول خدا ﷺ، برای پوشاندن این حدیث از راه نقل نکردن یا شبیهه دار کردن آن تلاش کردند. امروزه برخی از وهابیان در مطالعات ادعایی خویش، به این حدیث حمله کرده و آن را ساخته شیعه دانسته اند! حسین مؤید، عضو این گروه از وهابیان است. با آن که بزرگان اسلامی بارها به شبیهه هایی این چنین، پاسخ داده اند، ولی نوپردازی مؤید، در بازسازی شبیهات قدیمی، نیازمند نوپردازی در پاسخ است. نوشتار پیش رو با بررسی منابع اهل سنت، بازنگاهی به حدیث غدیر داشته و به سخنان حسین مؤید در شبکه های ماهواری ای سلفیان پاسخ می دهد.

نگاشته حاضر، مهم ترین اطلاعات را درباره حدیث غدیر به صورتی کوتاه و در قالب دو بخش آورده است؛ بخش نخست به منابع و سند این حدیث در کتب اهل سنت پرداخته و بخش دوم، متون و دلالت آن را بررسی می کند. می توان گفت مطالعه این مقاله، مرور کامل کتاب

۴. الغدیر و احقاق الحق در شیعه و مناقب نگاران اهل سنت همچون نسایی، ابن حنبل و دیگران بارها به موضوع حدیث غدیر پرداخته اند.

های دانشمندان سنی درباره حدیث غدیر است.

الف) منابع و راویان حدیث غدیر

مؤید ادعا کرده که هیچ حدیث رو شنی از پیامبر ﷺ درباره نصب علی بن ابی طالب علیه السلام به عنوان خلیفه، در غدیر خم وجود ندارد و سند هر آن چه در این باره ادعا شده، ضعیف و خبر واحد است. به باور او، آن چه شیعه به عنوان حدیث غدیر ادعا کرده، خیال پردازی علمایشان بوده و هدفی جز ایجاد جدایی میان مسلمانان ندارد.^۵

در این بخش، منابع و اسناد حدیث غدیر به روایت اهل سنت، شناسایی می شود.

۱. منابع و اعتبار حدیث غدیر

منابع بسیاری، حدیث غدیر را نقل کرده و درباره اعتبار آن سخن گفته اند. برخی از این منابع در زمره کتاب های شش گانه اهل سنت قرار دارند که در ادامه، نمونه هایی، گزارش می شود.

ابن ابی شیبیه (م ۲۳۵ق) حدیث غدیر را در مصنف خویش آورده است.^۶ او از قدمای اهل

سنت به شمار می رود و کتاب وی جزو نخستین نگاشته های حدیثی سنی است.

احمد بن حنبل (م ۲۴۱ق) در جاهای مختلف مسند خویش حدیث غدیر را با متون متعدد و از

طرق مختلفی آورده است.

۵. سایت رسمی حسین مؤید.

۶. المصنف لابن ابی شیبیه، ج ۷، ص ۴۹۵-۴۹۶.

— ابو عیسیٰ ترمذی (م ۲۵۶ق) صاحب الجامع الصحیح، پس از آن که حدیث غدیر را صحیح دانسته و در الجامع خویش آورده، می نویسد: «هذا حدیث حسن».^۷ ابن کثیر در تحلیل این بخش از کتاب ترمذی، پس از نقل حدیث غدیر، به صحیح بودن آن از دیدگاه ترمذی اشاره کرده و نوشته: «و قد صحح الترمذی بهذا السند».^۸

— بلاذری (م ۲۷۹ق) در انساب الاشراف، بابی را به حدیث غدیر و متون آن اختصاص داده است.^۹

— بزار (م ۲۹۲ق) پس از آوردن حدیث غدیر، به دعای پیامبر ﷺ اشاره می کند که فرمود: «اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و أحب من أحبه و أبغض من أبغضه و انصر من نصره و اخذل من خذله».^{۱۰}

— نسائی (م ۳۰۳ق) در کتاب فضائل الصحابة، اخبار متعددی از جریان غدیر را نقل کرده است.^{۱۱} او در بخش های مختلفی از سنن کبرای خویش نیز خبر غدیر را آورده است.^{۱۲} وی در کتاب خصائص امیر المؤمنین نیز بارها به خبر غدیر اشاره می کند.^{۱۳}

— ابو یعلیٰ موصلی (م ۳۰۷ق) در مسند خویش خبر غدیر را آورده است.^{۱۴}

— ابوجعفر طحاوی (م ۳۲۱ق) این حدیث را نقل کرده و سپس به قضاوت درباره آن پرداخته

۷. سنن الترمذی، ج ۲، ص ۲۹۸.
۸. البداية و النهاية، ج ۵، ص ۲۳۱.
۹. انساب الاشراف، ج ۲، ص ۱۰۸.
۱۰. مسند البزار، ج ۳، ص ۳۴.
۱۱. فضائل الصحابة، ص ۱۵.
۱۲. السنن الكبرى، ج ۵، ص ۴۵، ج ۸، ص ۱۳۰-۱۳۶، ص ۱۵۵.
۱۳. خصائص امیر المؤمنین عليه السلام، ص ۹۷-۱۰۴، ص ۱۳۲.
۱۴. مسند ابی یعلیٰ، ج ۱، ص ۴۲۹، ص ۵۶۷.

است. او این روایت را صحیح می داند و راویان آن را مورد اعتماد می شمرد. وی می

نویسد: «فهذا الحديث صحيح الإسناد و لا طعن لأحد في رواته».^{۱۵}

_ ابن حبان (م ۳۵۴ق) خبر غدیر را صحیح دانسته و آن را در الصحیح خود آورده است.^{۱۶}

_ طبرانی (م ۳۶۰ق) در کتاب های مختلف و به صورت مکرر حدیث غدیر را از طرق مختلف

و با متون متعددی نقل می کند.^{۱۷}

_ حاکم نیشابوری (م ۴۰۵ق) از دیگر دانشمندانی است که حدیث غدیر را در جاهای مختلف

کتابش نقل کرده است. او روایت یادشده را بر اساس مبنای بخاری و مسلم صحیح دانسته و

می نویسد: «هذا حديث صحيح على شرط الشيخين».^{۱۸}

_ ثعلبی (م ۴۲۷ق) در تف سیرش از ابن عیینه نقل کرده است: «پس از آن که رسول خدا ﷺ

در غدیر، علی عليه السلام را به مقام ولایت منصوب کرد و این خبر در همه جا منتشر شد، حارث

بن نعمان فهری نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: ای محمد! از طرف خدا به ما دستور دادی

شهادت دهیم که جز خدا معبودی نیست و تو فر ستاده اویی، ما هم قبول کردیم؛ دستور

دادی که نماز بخوانیم، زکات بدهیم، روزه بگیریم و حج به جا آوریم، ما هم پذیرفتیم؛ پس

از آن به این مقدار را ضی نشدی تا این که بازوان پسرعمویت را گرفتی و بلند کردی تا او

را بر ما برتری دهی؟ آیا این سخن را از خودت گفتی یا ابلاغ رسالتی بود از جانب خدا؟

۱۵. مشکل الآثار، ج ۲، ص ۳۰۸.

۱۶. صحیح ابن حبان، ج ۱۵، ص ۳۷۳-۳۷۶.

۱۷. المعجم الاوسط، ج ۲، ص ۲۷۵، ۲۶۹؛ المعجم الصغیر، ج ۱، ص ۶۴؛ المعجم الکبیر، ج ۲، ص ۳۵۷، ج ۴، ص ۱۷، ج ۵، ص ۱۷۰، ۱۶۶، ۱۷۱، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۵، ۲۰۴.

۱۸. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۵۳۳، ۱۱۶، ۱۰۹.

رسول خدا ﷺ فرمود: سوگند به خدایی که معبودی جز او نیست، مأموریتی از جانب خدا بود. حارث بن نعمان به آن حضرت پشت کرد و گفت: خدایا! اگر آن چه را محمد می گوید، حق است، پس سنگی از آسمان بر ما فرود آور و یا ما را به عذابی دردناک دچار ساز. او هنوز به مرکب خود نرسیده بود که خداوند سنگی را به سوی وی رها کرد و سنگ بر فرق سرش نازل شد و از مقعد وی خارج گشت و او را کشت».^{۱۹}

_ ابن عبدالبر (م ۶۳ق) در الاستیعاب، حدیث غدیر را نقل کرده است.^{۲۰}

_ خطیب بغدادی (م ۶۳ق) در تاریخ بغداد، این حدیث را آورده است.^{۲۱}

_ ابن مغزلی شافعی (م ۸۳ق) پس از نقل متن هایی متعدد از حدیث غدیر، آن را صحیح دانسته و راویان آن را از پیامبر ﷺ به یکصد نفر می رساند که عَشْرَه مَبْشَرَه^{۲۲} از آن جمله اند. وی می نویسد: «هذا حدیث صحیح عن رسول الله ﷺ، و قد روی حدیث خم نحو مائة نفس منهم العشرة، و هو حدیث ثابت لا أعرف له علة».^{۲۳}

_ ابن عساکر (م ۵۷۱ق) در تاریخ دمشق، حدیث غدیر را با متون متعدد و در جاهای مختلف و با طرق گوناگون آورده است.^{۲۴}

_ مزی (م ۷۴۲ق) در تهذیب الکنال، حدیث غدیر را آورده و صدور آن از پیامبر ﷺ را ثابت

۱۹. الکشف و البیان، ج ۱۰، ص ۳۵.

۲۰. الاستیعاب، ج ۳، ص ۱۰۹۹.

۲۱. تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۲۸۴.

۲۲. اهل سنت ادعا می کنند پیامبر ﷺ به ده نفر وعده بهشت داده است و به همین دلیل، آنان به «عَشْرَة مَبْشَرَة بِالْجَنَّةِ» معروف شده اند. این گروه عبارتند از: ابوبکر، عمر، عثمان، علی بن ابی طالب رضی الله عنه، طلحه، زبیر، سعد ابن ابی وقاص، سعید بن زید، ابو عبیده جراح، عبد الرحمن بن عوف.

۲۳. مناقب علی بن ابی طالب رضی الله عنه، ص ۲۷.

۲۴. تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۱۱۴، ۱۱۷، ۱۲۰، ۲۰۵-۲۲۷.

دانسته است.^{۲۵}

— أبوعبدالله ذهبی (م ۷۴۸ق) به نقل حدیث غدیر پرداخته و آن را صحیح

دانسته است.^{۲۶}

— ابن کثیر (م ۷۷۴ق) در کتاب تاریخی خویش، پس از نقل حدیث غدیر، ضمن تأکید بر

اعتماد به آن می نویسد: «هذا اسناد جيد، رجاله ثقات».^{۲۷}

— ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ق) در کتاب فتح الباری _ که شرح صحیح بخاری است _ درباره

حدیث غدیر، سخن گفته است. او این حدیث را در شرح حدیث منزلت صحیح بخاری

آورده و بر اعتماد به آن تأکیدی چندباره می کند. جالب این که ابن حجر پس از نقل سخن

شیعه درباره حدیث منزلت و دلالت این روایت بر خلافت خاصه امام علی علیه السلام پس از

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بدون این که به ردّ سخن شیعه پردازد می نویسد: «والله اعلم». وی درباره

حدیث غدیر نیز نوشته است: «و أما حدیث من كنت مولاة فعلی مولاة، فقد أخرجہ الترمذی

و النسائی، و هو كثير الطرق جدا، و قد استوعبها ابن عقدة فی كتاب مفرد، و كثير من

أسانیدها صحاح و حسان».^{۲۸} وی در کتاب دیگرش نیز این حدیث را آورده است.^{۲۹}

— ابن حجر مکی (م ۹۷۴ق) درباره حدیث غدیر می نویسد: «حدیث غدیر، صحیح است، هیچ

تردیدی در صحت آن نیست. این حدیث را گروهی از دانشمندان مانند ترمذی و نسائی و

۲۵. تهذیب الکمال، ج ۲۰، ص ۴۸۴، ج ۳۳، ص ۲۸۴.

۲۶. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۴، ص ۲۰۷.

۲۷. البداية و النهاية، ج ۵، ص ۲۳۰.

۲۸. فتح الباری، ج ۷، ص ۶۰-۶۱.

۲۹. تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۲۹۶.

احمد نقل کرده اند. طرق این حدیث، بسیار زیاد است. این حدیث را ۱۶ نفر از صحابه نقل کرده اند. احمد بن حنبل گفته است که سی نفر از صحابه رسول الله ﷺ آن را از ایشان شنیده اند و در زمان خلافت علی علیه السلام بر آن شهادت داده اند. بسیاری از سندهای این حدیث، صحیح و حسن است و اشکال برخی ها به سند این حدیث، ارزشی ندارد؛ چنان که اشکال بعضی ها که علی زمان حجة الوداع در یمن بوده، مردود است؛ زیرا ثابت شده که آن حضرت از یمن به مکه آمده و به حاجیان پیوسته است.^{۳۰}

_ مناوی (م ۱۰۳۱ق) در فیض القدیر، ضمن تأیید صحت سند حدیث غدیر، از نوید سندگان دیگری همچون سیوطی، بزار، دارقطنی و دیگران نام برده و آن ها را قائل به صحّت این حدیث می شمرد.^{۳۱}

_ آلو سی (م ۱۲۷۰ق) در تفهیر خود، پس از آوردن حدیث غدیر، آن را صحیح می شمرد؛ هرچند برداشت شیعه از این روایت را مردود می داند.^{۳۲}

_ محمدجعفر کتانی (م ۱۳۴۵ق) حدیث غدیر را از احادیث متواتر شمرده و نام های ۲۵ نفر از صحابه راوی آن را ذکر کرده است.^{۳۳}

بر این اساس، حدیث غدیر نه ساخته شیعه است و نه روایتی ضعیف و خبر واحد؛ بلکه این حدیث را در بسیاری از منابع اهل سنت و با اسناد فراوان به همراه قضاوت نویسندگان آن، می

۳۰. الصواعق المحرقة، ص ۲۵.
 ۳۱. فیض القدیر، ج ۶، ص ۲۸۲.
 ۳۲. نک: تفسیر الآلوسی، ج ۶، ص ۱۹۴.
 ۳۳. نظم المتناثر، ص ۱۹۵.

توان یافت. نویسندگان سنی این حدیث را صحیح دانسته و به آن اعتماد کرده اند.

۲. راویان و اعتبار حدیث غدیر

راویان بسیاری، حدیث غدیر را نقل کرده و درباره آن سخن گفته اند. در این بخش به نمونه

هایی اشاره می شود.

• ذهبی می نویسد:

محمد بن جریر طبری هنگامی که شنید ابن ابی داود درباره حدیث غدیر بحث می

کند، کتابی در این موضوع به نام الولاية فی حدیث الغدیر نگاشت. من یک جلد

کتاب درباره اسناد و مدارک حدیث غدیر از طبری دیدم که از فراوانی اسناد و

مدارکی که در این مورد جمع آوری کرده بود دهشت کردم.^{۳۴}

او در کتاب دیگرش اظهار می دارد که پس از دیدن کتاب، ابن جریر به وقوع جریان غدیر،

یقین کرده است.^{۳۵} ابن عساکر نیز گزارش کتاب طبری را آورده و تصریح کرده که وی در این

کتاب، حدیث غدیر را صحیح دانسته و بر آن احتجاج کرده است.^{۳۶}

• زیلعی (م ۷۶۲ق) ضمن نام بردن برخی از علمای اهل سنت و کتاب هایشان که حدیث غدیر

را با اسناد صحیح و متواتر نقل کرده اند، نام های حدود هفتاد نفر از صحابه راوی این حدیث

را آورده است.^{۳۷}

۳۴. تذکرة الحفاظ، ج ۲، ص ۷۱۳.

۳۵. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۴، ص ۲۷۷.

۳۶. تاریخ دمشق، ج ۵۲، ص ۱۹۸.

۳۷. تخريج الاحاديث و الآثار، ص ۲۳۴-۲۴۴.

• قندوزی حنفی (م ۱۲۹۴ق) درباره کتاب الولاية طبری می گوید:

محمد بن جریر طبری، صاحب کتاب تاریخ و تفسیر، حدیث غدیر خم را به ۷۵ طریق نقل کرده است. او کتابی مستقل درباره غدیر به نام کتاب الولاية نوشته است.^{۳۸}

وی از ابوالمعالی جوینی (م ۴۷۸ق) معروف به امام الحرمین، نقل می کند که نزدیک صحاف در بغداد دیدم که برای بیان طرق حدیث غدیر از رسول الله ﷺ ۲۸ جلد کتاب، آماده کرده و جلد ۲۹ را در حال آماده سازی داشت.^{۳۹}

با بررسی منابع اهل سنت می توان به نام های بیش از دویست نفر از راویان صحابی و تابعی حدیث غدیر دست یافت.^{۴۰} با بررسی این نام ها مشخص می شود آقای مؤید بر اساس اطلاع و تحقیق، سخن می گوید یا در راستای منافع شبکه های خاص، سخن می راند. در ادامه، نام های برخی از این راویان ذکر می شود.

۱. علی بن ابی طالب علیه السلام ۲. فاطمه زهرا علیها السلام ۳. حسن بن علی علیهما السلام ۴. حسین بن علی علیهما السلام ۵.
- سلمان فارسی ۶. ابوذر غفاری ۷. عمار یاسر ۸. ابوبکر ۹. عمر بن خطاب ۱۰. براء بن عازب ۱۱.
- زید بن ارقم ۱۲. ابو ایوب انصاری ۱۳. بریده بن الحصیب ۱۴. سعد بن ابی وقاص ۱۵. عبد الله بن عباس ۱۶. ابو هریره ۱۷. جابر بن عبد الله انصاری ۱۸. ابو سعید خدری

۳۸. ینابیع المودة، ج ۱، ص ۱۱۳.

۳۹. ینابیع المودة، ج ۱، ص ۱۱۴.

۴۰. نک: تخریج الاحادیث و الآثار، ص ۲۳۴-۲۴۴؛ نظم المتناثر، ص ۱۹۴؛ ینابیع المودة، ج ۱، ص ۱۰۸.

۱۹. انس بن مالک ۲۰. عمران بن حصین ۲۱. زید ابن ابی اوفی ۲۲. همسر زید بن ارقم ۲۳. قیس بن ثابت ۲۴. حیب بن بدیل ۲۵. أبو قدامه أنصاری ۲۶. ناجی بن عمرو خزاعی ۲۷. حبشی بن جناده ۲۸. ابوظفیل عامر بن وائله ۲۹. عبدالله بن عمر ۳۰. مالک بن حویرث ۳۱. زیاد بن ابی زیاد ۳۲. طلحه بن عبید الله ۳۳. زبیر بن عوام ۳۴. عبد الرحمن بن عوف ۳۵. عباس بن عبدالمطلب ۳۶. عبدالله بن مسعود ۳۷. اسعد بن زراره ۳۸. خزیمه بن ثابت ۳۹. سهل بن حنیف ۴۰. حذیفه ابن یمان ۴۱. سمره بن جندب ۴۲. زید بن ثابت انصاری ۴۳. ام سلمه ۴۴. عایشه ۴۵. وحشی بن حرب ۴۶. ابو امامه ۴۷. عامر بن عمیر ۴۸. سعد بن جناده عوفی ۴۹. عبدالله بن ابی اوفی ۵۰. جابر بن سمره سوائی ۵۱. زید بن حارثه انصاری ۵۲. ابو رافع ۵۳. عمرو بن حمق ۵۴. عبد الرحمن بن زید انصاری ۵۵. ابوفضاله انصاری ۵۶. ثابت بن عبدالله انصاری ۵۷. عثمان بن حنیف ۵۸. عدی بن حاتم طایی ۵۹. سهل بن سعد ۶۰. ابو لیلی ۶۱. ابوالهیثم بن تیهان ۶۲. عقبه بن عامر ۶۳. سلمه بن اکوع ۶۴. عبدالله بن جعفر بن ابی طالب ۶۵. ابو یعلی انصاری ۶۶. ام هانی بنت ابی طالب ۶۷. حسان بن ثابت ۶۸. ثابت بن شماس ۶۹. زید بن وهب ۷۰. ابو عبدالله شیبانی ۷۱. ثویر بن ابی فاخره ۷۲. عطیه بن سعید عوفی ۷۳. انیسه دختر زید بن ارقم ۷۴. عایشه دختر سعد بن ابی وقاص ۷۵. حرث بن مالک ۷۶. عامر بن سعد بن ابی وقاص ۷۷. خبیثه بنت عبد الرحمن ۷۸. سعید بن جبیر ۷۹. ابو سلمه بن عبد الرحمن ۸۰. شهر بن حوشب ۸۱. حذیفه بن اسید انصاری ۸۲. ریاح بن

حارث ۸۳. اصیغ بن زبانه ۸۴. جندع بن عمرو انصاری ۸۵. جریر بن عبدالله بجلی
 ۸۶. عیسی بن طلحه ۸۷. سالم بن عبدالله بن عمر ۸۸. بریده اسلمی ۸۹. یعلی بن مره ۹۰.
 ابوعمره بن عمرو بن محسن ۹۱. ابوزینب ۹۲. نعمان بن عجلان انصاری ۹۳. ابو شریح خزاعی
 ۹۴. حبیب بن بدیل ۹۵. هاشم بن عتبۀ ۹۶. ام کلثوم دختر علی بن ابی طالب علیه السلام ۹۷. عمر بن
 علی بن ابی طالب علیه السلام ۹۸. زید بن یثیع ۹۹. عمیره بن سعد ۱۰۰. عبایه ربعی.

با نگاهی اجمالی به منابع اهل سنت، روشن می شود که در اسلام، کمتر موضوعی از جهت
 اتقان سند، فراوانی راویان و جمع بودن تواتر لفظی و معنوی، به حدیث غدیر می رسد.

(ب) متون و دلالت حدیث غدیر

صدها نفر از علمای اهل سنت درباره حدیث غدیر کتاب نوشته اند.^{۴۱} آن چه در این بخش
 بررسی می شود، متون حدیث غدیر و دلالت آن است.

۱. جریان غدیر از زبان صحابه

• احمد بن حنبل، نسایی، ابن ابی شیبه، ابن حبان و بسیاری دیگر از دانشمندان سنی از زید
 بن ارقم و براء بن عازب چنین نقل کرده اند:

کنا مع رسول الله صلی الله علیه و آله فی سفر فنزلنا بغدیر خم فنودی: الصلاة جامعة! و کسح لرسول

الله صلی الله علیه و آله تحت شجرة فأخذ بید علی فقال: أستم تعلمون أني أولى

۴۱. علامه امینی در کتاب الغدیر (ج ۱، ص ۲۳۰)، از ۳۶۰ نویسنده را که درباره غدیر کتاب نوشته اند و ۱۱۰ نفر از صحابه و ۸۰ نفر از تابعان راوی حدیث
 غدیر نام می برد.

بالمؤمنين من أنفسهم؟ قالوا: بلى، فقال: أستم تعلمون أنى أولى بكل مؤمن من نفسه؟ قالوا: بلى، فأخذ بيد علي فقال: اللهم! من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم! وال من والاه و عاد من عاداه. فلقية عمر بعد ذلك فقال: هنيئا لك يا ابن أبي طالب! أصبحت و أمسيت مولى كل مؤمن و مؤمنة؛^{٤٢}

در سفری (حجۃ الوداع) همراه رسول خدا ﷺ بودیم. در غدیر خم ایستادیم و اعلام شد که نماز جماعت بر پا می شود. جایگاهی برای رسول خدا ﷺ در پای درختی آماده شد و حضرت، نماز ظهر اقامه کرد. سپس دست علی را گرفت و فرمود: آیا نمی دانید که من بر مردم از خودشان سزاوارترم؟ همه گفتند: همین طور است. سپس فرمود: آیا نمی دانید من بر همه مؤمنان ولایت دارم و ولایت من برتر از ولایت هر مؤمنی نسبت به خودش است؟ همه گفتند: همین طور است. آن گاه دست علی را گرفت و گفت: خدایا! هر کس که من بر او ولایت دارم، این علی ولیّ او ست. خدایا! هر کس که علی را مولای خود می داند، زیر سرپرستی خود بگیر و هر کسی که او را دشمن می شمارد، دشمن بدار. سپس عمر برای دیدن علی رفت و به او گفت: گوارایت باشد ای پسر ابی طالب؛ تو اکنون مولای هر مؤمن و مؤمنه هستی.

۴۲. مسند ابن حنبل، ج ۴، ص ۲۸۲؛ السنن الکبری، ج ۵، ص ۱۳۴؛ خصائص امیر المؤمنین ﷺ، ص ۹۵، ۱۰۰؛ صحیح ابن حبان، ج ۱۵، ص ۳۷۶؛ المصنف لابن ابی شیبیه، ج ۷، ص ۵۰۳؛ همچنین نک: سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۳؛ انساب الاشراف، ج ۲، ص ۱۱۰؛ المعجم الکبیر، ج ۵، ص ۱۹۵؛ تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۲۱۷، ۲۲۲؛ نظم درر السمطین، ص ۱۰۹؛ ینابیع الموده، ج ۱، ص ۹۷-۹۸؛ الفصول المهمه، ج ۱، ص ۲۴۲؛ جواهر المطالب، ج ۱، ص ۸۴.

با توجه به صدر حدیث و ذیل آن، آیا این متن که در بسیاری از منابع نقل شده است، بر انتصاب علی بن ابی طالب علیه السلام به مقام ولایت امور مسلمین دلالت ندارد؟ آیا می توان در سخنی که یک جا گفته شده، صدر و ذیل را نادیده گرفت یا آن را تخصیص زد، بدون این که دلیلی برای مخصّص وجود داشته باشد؟

• بلاذری، ابن کثیر و گروه بسیاری از محققان اهل سنت، حدیث غدیر را از طریق ابوظیفیل عامر بن واثله از زید بن أرقم این گونه نقل کرده اند:

كُنَّا مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي حَجَّةِ الْوُدَاعِ فَلَمَّا كُنَّا بِغَدِيرِ خُمٍ أَمَرَ بِدُوحَاتِ فِجْمَانَ ثُمَّ قَامَ فَقَالَ: كَأَنِّي قَدْ دَعَيْتُ فَأَجَبْتُمْ وَإِنَّ اللَّهَ مُوَالِيٌّ وَأَنَا مُوَالِيٌّ كُلِّ مُؤْمِنٍ، وَأَنَا تَارِكٌ فِيكُمْ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِ لَمْ تَضَلُّوا، كِتَابَ اللَّهِ وَعِتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي فَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلِيَّ الْحَوْضِ. ثُمَّ أَخَذَ بِيَدِ عَلِيٍّ فَقَالَ: مَنْ كُنْتُ وَلِيًّا فِهَذَا وَلِيٌّ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادَ مِنْ عَادَاهُ. قَالَ أَبُو الطَّفِيلِ: قُلْتُ لَزَيْدٍ: أَنْتَ سَمِعْتَ هَذَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: مَا كَانَ فِي الدُّوحَاتِ أَحَدٌ إِلَّا وَقَدْ رَأَى بَعَيْنَهُ وَسَمِعَ بِأُذُنِهِ؛^{٤٣}

در حجّه الوداع همراه رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بودیم. هنگامی که به غدیر خم رسیدیم، پیامبر دستور توقف کاروان ها را داد و جایگاهی برای ایشان درست کردند. ایشان بر بالای جایگاه ایستاد و فرمود: گویا به مهمانی خدا دعوت شده ام و پایان عمرم

٤٣. انساب الاشراف، ج ٢، ص ١١٠-١١١؛ السيرة النبوية، ج ٤، ص ٤١٦؛ البداية و النهاية، ج ٥، ص ٢٢٨؛ همچنين نك: فضائل الصحابة، ص ١٥؛ السنن الكبرى، ج ٥، ص ٤٥، ١٣٠؛ خصائص امير المؤمنين عليه السلام، ص ٩٣؛ المعجم الكبير، ج ٥، ص ١٦٦؛ المستدرک علی الصحیحين، ج ٣، ص ١١٠؛ تفسير الآلوسی، ج ٦، ص ١٩٤؛ مجمع الزوائد، ج ٩، ص ١٦٤؛ المناقب للخوارزمی، ص ١٥٤.

نزدیک شده است. من نیز دعوت را اجابت کردم، در حالی که خداوند مولای من و من مولای همه مؤمنان هستم. من در میان شما چیزی را می گذارم که تا زمان تمسک به آن گمراه نمی شوید؛ آن چیز کتاب خدا و عترت و اهل بیت من هستند. آن دو هرگز از هم جدا نمی شوند تا آن که در روز قیامت در کنار حوض کوثر به من برگردانده شوند. آن گاه دست علی علیه السلام را گرفت و فرمود: هر کس که من سرپرست او هستم، پس این فرد سرپرست او ست. خدایا! هر کس که علی را سرپرست خود کرده سرپرستی کن و با هر کسی که با علی دشمنی کند دشمنی کن. ابو طفیل می گوید: به زید بن ارقم گفتم: آیا خودت این را از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدی؟ گفت: بله و هر کسی که در آن جا بود با چشمش دید و با گوشش شنید.

• احمد بن حنبل و هیشمی نیز از زید بن ارقم و طبرانی از زید بن ارقم و عمرو ذی مر این حدیث را با تفاوتی اندک نقل کرده اند. آن ها در پایان دعای پیامبر صلی الله علیه و آله جمله «و انصر من نصره و أعن من أعانه» را آورده اند.^{۴۴} یعنی «خدایا هر کسی که علی را یاری کند، یاری اش کن و هر کسی که او را پشتیبانی نماید، پشتیبانی اش نما». این جمله با دلالتی روشن تر، موضوع جانشینی را نشان می دهد؛ زیرا کسی نیازمند یاری و پشتیبانی در این سطح است که سرپرست باشد نه دوستی معمولی؛ هر چند در مقام دوستی معمولی نیز به این جمله پیامبر صلی الله علیه و آله عمل نشد.

۴۴. مسند ابن حنبل، ج ۴، ص ۳۷۲؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۰۴؛ همچنین نک: المعجم الکبیر، ج ۵، ص ۲۰۳؛ البداية و النهایة، ج ۵، ص ۲۳۱، ج ۷، ص ۲۸۵؛ تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۲۱۸.

• ابن ماجه، ابن كثير، ثعلبي و بسيارى ديگر از علمای اهل سنت حديث غدیر را از براء بن عازب با متنى شبیه متون گذشته نقل کرده اند.^{۴۵} بزار نیز حديث غدیر را از سعد بن ابى وقاص روايت کرده که پیش تر گذشت.

• حديث غدیر از عمر بن خطاب این گونه روايت شده است:

نصب رسول الله ﷺ عليا علما فقال: من كنت مولاه فعلى مولاه، اللهم وال من والاه

و عاد من عاداه، و اخذل من خذله و انصر من نصره، اللهم أنت شهيدى عليهم؛^{۴۶}

ر سول خدا ﷺ على را به عنوان عَلم و شاخص مناصوب کرد، سپس فرمود: هر

کسى که من مولای او هستم، على مولای اوست. خدایا! کسانى که على را سرپرست

خود کرده اند، سرپرستى کن و کسانى را که با او دشمنى کرده اند، دشمن دار و هر

کسى دست از يارى او برداشت، يارى اش مکن و هر کسى او را يارى کرد، يارى

اش کن. خدایا! تو شاهد من بر اينان هستى.

• حديث غدیر با متون مشابه در صدها منبع حديثى، تاريخى، تفسيرى و کلامى اهل سنت نقل

شده است. طرق بسيار و نقل های متعدد، این حديث را به تواتر لفظى و معنوى در بسيارى از

طبقات رسانده است. پذيرش دانشمندان اهل سنت از گذشته تاکنون نشانه اعتبار این متون است.

دلالت این حديث نیز هرچند مورد اختلاف میان شيعه و اهل سنت است، ولی سنّان، جایگاه

۴۵. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۳؛ البداية و النهاية، ج ۵، ص ۲۲۹؛ السيرة النبوية، ج ۴، ص ۴۱۷؛ الكشف و البيان، ج ۴، ص ۹۲؛ مسند ابن حنبل، ج ۴، ص ۲۸۱؛ تاريخ الاسلام، ج ۳، ص ۶۳۳؛ تاريخ دمشق، ج ۴۲، ص ۲۲۲؛ انساب الاشراف، ج ۲، ص ۱۰۸؛ السنة لابن ابى عاصم، ص ۵۹۱؛ نظم در السمطين، ص ۱۰۹؛ معارج الوصول، ص ۴۳؛ الفصول المهمة، ج ۱، ص ۲۴۰؛ ينابيع المودة، ج ۱، ص ۹۸، ۱۰۲؛ تفسير الألوسی، ج ۶، ص ۱۹۴. ۴۶. ينابيع المودة، ج ۲، ص ۲۸۴.

برتر علمی و معنوی امیرمؤمنان علیه السلام در همه دوران ها و جایگاه برتر سیاسی ایشان را در مدت کوتاه خلافت، پذیرفته اند.

۲. استناد امام علی علیه السلام به حدیث غدیر

یکی از روایت کنندگان حدیث غدیر، امام علی علیه السلام است. ایشان برای آگاهی دادن و بیدار کردن ناآگاهان و خفته ها، در زمان ها و مکان های مختلف، مخاطبان گوناگون را به خدا سوگند داد که حق را کتمان نکنند و به آن چه در غدیر با چشم خود دیده اند و با گوش خود از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم شنیده اند، شهادت دهند. در برخی جلسه ها سی نفر از صحابه، در جلسه ای دیگر ۱۷ نفر^{۴۷} و در جلسه ای ۱۳ نفر یا ۱۲ نفر از بدریون به این مسئله شهادت دادند. اکنون به نمونه هایی اشاره می کنیم.

• احمد بن حنبل _ که از امامان اهل سنت در فقه و حدیث است _ جریان غدیر و جلسات شهادت صحابه بر آن را از طرق مختلف نقل کرده و متون متعددی را آورده است.^{۴۸} وی در گزارشی از سعید بن وهب و زید بن بشیر نقل می کند که علی بن ابی طالب علیه السلام در صحن مسجد کوفه حاضران را سوگند داد که هر کس در غدیر خم حضور داشته و سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را شنیده، بلند شود و شهادت دهد. ۱۳ نفر چنین کردند. آن گاه متن شهادت آن ها را آورده است. وی در گزارش دیگری از زیاد بن ابی زیاد نقل کرده که امام علی علیه السلام در جلسه ای

۴۷. نک: اسد الغابة، ج ۵، ص ۲۷۶؛ الاصابة، ج ۷، ص ۲۷۵.

۴۸. نک: مسند ابن حنبل، ج ۱، ص ۸۴، ۸۸، ۱۱۸-۱۱۹، ۱۱۹، ۱۲۱، ۳۳۱، ۳۷۰، ج ۴، ص ۳۶۸، ۳۷۰، ج ۵، ص ۴۱۹.

با حضور صحابه، آنان را سوگند داد که آن چه را در غدیر شنیده اند، بیان کنند.

۱۲ نفر از بدریون ایستادند و به جریان غدیر و متن خطبه پیامبر ﷺ شهادت دادند. ابن ابی

عاصم (م ۲۸۷ق) نیز همین گزارش ها را به همراه گزارش هایی دیگر در کتاب السنه خویش

آورده است.^{۴۹} ابن اثیر نیز به این جلسه اشاره کرده و نام های شهادت دهندگان را آورده است.^{۵۰}

بزار، حافظ اصفهانی (م ۴۳۰ق)، مزی و ابن حجر نیز این گزارش را آورده اند.^{۵۱}

• طبرانی از رباح حارث نقل کرده که گروهی همراه با ابویوب انصاری و جمع دیگری از

انصار در کوفه خدمت امام علی علیه السلام رسیدند و ایشان را «مولا» خطاب کردند. وقتی امام علیه السلام

علت این خطاب را از آن ها پرسید، آنان حدیث غدیر را بیان کردند. طبرانی پس از آوردن این

حدیث، رجال آن را توثیق می کند.^{۵۲}

• بلاذری در انساب الاشراف گزارش دیگری آورده که بر اساس آن، امام علی علیه السلام بر روی

منبر از حاضران _ که گروهی از آنان صحابی پیامبر ﷺ بودند _ خواست درباره واقعه غدیر

شهادت دهند؛ اما آنان حاضر به شهادت نشدند. علی بن ابی طالب علیه السلام بر اساس آیه قرآن درباره

کتمان شهادت،^{۵۳} آنان را نفرین کرد. بلاذری در ادامه این گزارش نام های کتمان کنندگان غدیر

را این گونه برمی شمرد: انس بن مالک، براء بن عازب و جریر بن عبدالله. آن گاه نفرین امیر

مؤمنان علیه السلام را گیرا می شمرد و اظهار می دارد: انس بن مالک دچار برص شد؛ براء بن عازب

۴۹. السنه لابن ابی عاصم، ص ۵۹۳.

۵۰. اسد الغابه، ج ۳، ص ۳۰۷، ج ۴، ص ۲۸، ج ۵، ص ۲۰۵.

۵۱. مسند البزار، ج ۳، ص ۳۴؛ تاریخ اصبهان، ج ۱، ص ۱۰۷؛ تهذیب الکمال، ج ۱۱، ص ۱۰۰، ج ۲۲، ص ۳۰۲، ۳۹۸؛ الاصابه، ج ۴، ص ۲۷۷.

۵۲. المعجم الكبير، ج ۴، ص ۱۷۴؛ همچنین نک: مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۰۴.

۵۳. بقره، ۱۴۰.

کور شد و جریر بن عبدالله کافر گشت.^{۵۴}

• ابن حبان از ابوظفیل روایت کرده که در جلسه ای با حضور اصحاب پیامبر ﷺ، علی رضی الله عنه، حاضران را به خدا سوگند داد که به جریان غدیر، آن گونه که بوده، شهادت دهند. گروهی از آن ها برخاستند و شهادت دادند.^{۵۵} ابن حبان، متن شهادت آنان را ذکر کرده که همان متون حدیث غدیر است.

همیشگی نیز همین جلسه را از طریق احمد بن حنبل از ابوظفیل نقل کرده است. در روایت همیشگی، تصریح شده که سی نفر برخاستند و شهادت دادند. در ادامه این روایت آمده که ابوظفیل می گوید:

پس از شنیدن شهادت این همه از صحابه چیزی در دلم ایجاد شد. اندکی بعد زید بن ارقم را دیدم و جریان جلسه را برایش تعریف کردم و از او درستی و نادرستی

این شهادت را پرسیدم. وی گفت: منکر نشو، من هم همین الفاظ را از رسول خدا ﷺ شنیده ام.^{۵۶}

ابن عساکر نیز به شهادت سی نفر تصریح کرده و گزارش آن را آورده است.^{۵۷}

امام علی رضی الله عنه به عنوان یکی از دو محور حدیث غدیر در کنار رسول الله ﷺ، همواره بر

۵۴. انساب الاشراف، ج ۲، ص ۱۵۶.

۵۵. صحیح ابن حبان، ج ۱۵، ص ۳۷۶.

۵۶. مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۰۴.

۵۷. تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۲۰۵.

گرفتن حق مسلمانان تأکید می فرمود. ایشان در خطبه های مختلف مانند خطبه سوم نهج البلاغه و در گروه های متعدد، به یادآوری این حق پرداخته و آن را مطالبه می کرد. آیا می توان شهادت این تعداد از صحابه را دروغ دانست و همه آن ها را نیروهای نفوذی شیعه در میان اهل سنت شمرد؟!^{۵۸}

۳. نزول آیات درباره غدیر

بسیاری از مفسران و محدثان اهل سنت نوشته اند که آیاتی از قرآن پیش از خطبه غدیر و پس از آن درباره ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شده است. در این جا به سه آیه اشاره می شود.

• بسیاری از دانشمندان اهل سنت، تصریح کرده اند آیه شریفه ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾^{۵۸} پیش از خطبه غدیر و در باره معرفی علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شد.^{۵۹}

حتی ابن مردویه (م ۱۰۴ق) از ابن مسعود روایت کرده که پس از نزول آیه، در تلاوت قرآن پس از فراز ﴿مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ﴾ با اشاره به تفسیر آن می گفتیم: «ان علیاً مولى المؤمنین».^{۶۰}

۵۸. مائده، ۶۷.

۵۹. نک: اسباب النزول، ص ۱۳۵؛ الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۸۸؛ شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۵۱-۲۵۹؛ تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۲۳۷؛ فلك النجاة، ص ۲۰۰؛ ينابيع المودة، ج ۲، ص ۲۴۹؛ تفسیر الالوسی، ج ۶، ص ۱۹۳.

۶۰. الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۸۸.

• بسیاری از دانشمندان سنی نوشته اند که آیه شریفه ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ

عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾^{۶۱} پس از پایان نصب علی عليه السلام در غدیر نازل شد و به

نصب ایشان اشاره دارد. حتی ابوسعید خدری، ابوهریره و مجاهد روایت کرده اند که پیامبر صلى الله عليه وآله

پس از نزول این آیه فرمود:

الله أكبر على إكمال الدين و إتمام النعمة، و رضا الرب برسالتى و ولايةً على بن أبى

طالب من بعدى؛^{۶۲}

الله اكبر به سبب كامل كردن دين و به نهايت رساندن نعمت و به دليل خشنودى

پروردگار از رسالت من و ولايت على بن ابى طالب پس از من.

ابو سعید خدری در ادامه به شعر حسان بن ثابت از نصاری اشاره می کند که آن را با اجازه

پیامبر صلى الله عليه وآله سرود.^{۶۳} حسان، متن خطبه غدیر را در این شعر آورده است.

• بسیاری از علمای اهل سنت نوشته اند که آیات اول و دوم سوره معارج ﴿سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ

واقِعٍ * لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ﴾ پس از غدیر و در ارتباط با ولایت علی عليه السلام در مدینه نازل

شد.^{۶۴} مراد از «سائل» در این آیه، حارث بن نعمان فهری است که پیش تر به ماجرای او از

تفسیر ثعلبی اشاره شد.

۶۱. مأثده، ۳.

۶۲. تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۲۸۴؛ تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۲۳۳، ۲۳۷؛ شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۵۷، ۲۰۲؛ المناقب لابن مردویه، ص ۲۳۱-۲۳۲؛ المناقب للخوازمی، ص ۱۳۵، ۱۵۶.

۶۳. نک: المناقب لابن مردویه، ص ۲۳۲؛ نظم درر السمطین، ص ۱۱۳.

۶۴. نک: الكشف و البیان، ج ۱۰، ص ۳۵؛ تفسیر القرطبی، ج ۱۸، ص ۲۷۹؛ شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۸۲؛ نظم درر السمطین، ص ۹۳؛ فیض القدر، ج ۶، ص ۲۸۲؛ تفسیر الالوسی، ج ۲۹، ص ۵۵؛ السیرة الحلبیة، ج ۳، ص ۳۳۷؛ الفصول المهمة، ج ۱، ص ۲۴۴؛ ینابیع المودة، ج ۲، ص ۳۷۰؛ معارج الوصول، ص ۳۹؛ المناقب لابن مردویه، ص ۲۴۸، ۳۴۰.

با وجود این آیات و تفسیر مفسران اهل سنت، دیگر نمی توان جریان غدیر را خبر واحد خواند و آن را ساخته علمای شیعه دانست. همچنین ورود این آیات و روایات درباره دو سنی امام علی علیه السلام، امری گزاف است که در ادیان گذشته و در دین اسلام، سابقه ای ندارد. بنابراین باید مجموعه این آیات و روایات، از چیزی فراتر از دو سنی سخن بگویند؛ هر چند حق دو سنی نیز به درستی رعایت نشد.

نتیجه گیری

حدیث غدیر نزد اهل سنت از تواتر لفظی و معنوی برخوردار است. بزرگان سنی این حدیث را در منابع معتبر آورده و رجال آن را توثیق کرده اند. راویان حدیث غدیر، نزدیک به دویست نفر از صحابه و تابعان هستند. افزون بر آن امام علی علیه السلام در مناسبت های مختلف از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شهادت گرفتند که این حدیث را شنیده و جریان آن را دیده اند. آیات چندی نیز درباره این جریان نازل شده است.

بر اساس این حدیث، امام علی علیه السلام ولی مؤمنان و مسلمانان است. اهل سنت به رغم پذیرش این روایت، ولایت را جدا از خلافت می دانند و آن را در محدوده ولایت و مرجعیت علمی و معنوی برمی شمردند. همچنین آن ها خلافت امیر مؤمنان علیه السلام را به عنوان خلیفه چهارم، مصداق سیاسی این حدیث دانسته اند. حسین مؤید، ادعا کرده بود که «هیچ نص جلی و حدیث روشنی نداریم که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در غدیر خم علی بن ابی طالب علیه السلام را خلیفه خود منصوب کرده باشد، و اگر حدیثی باشد، سندش ضعیف و خبر واحد است»؛ در حالی که درباره حدیث غدیر،

منابع بسیار، راویان فراوان و متون معتبر وجود دارد که اهل سنت به صحت آن تصریح کرده اند.

١. احقاق الحق، نور الله شو شتری، تحقیق: شهاب الدین مرعشی نجفی، قم، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
٢. اسباب النزول، علی بن احمد واحدی نیشابوری، تحقیق: کمال بسیونی زغلول، بیروت، دار الکتب العلمیة، اول، ١٤١١ق.
٣. الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، یوسف بن عبد الله بن عبد البر نمری، تحقیق: علی محمد بجاوی، بیروت، دار الجیل، اول، ١٤١٢ق.
٤. اسد الغابة فی معرفة الصحابة، علی بن محمد بن اثیر، تهران، اسماعیلیان.
٥. الاصابة فی تمييز الصحابة، احمد بن علی بن حجر عسقلانی، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت، دار الکتب العلمیة، اول، ١٤١٥ق.
٦. انساب الاشراف، احمد بن یحیی بلاذری، بیروت، مؤسسه الاعلمی، اول، بی تا.
٧. البداية و النهاية، محمد ابن کثیر دمشقی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، اول، ١٤٠٨ق.
٨. تاریخ اصبهان، احمد بن عبد الله اصبهانی، لایدن، بریل، ١٩٣٤م.
٩. تاریخ الاسلام، محمد بن احمد ذهبی، بیروت، دار الکتب العربی، اول، ١٤٠٧ق.
١٠. تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، بیروت، دار الکتب العلمیة، اول، ١٤١٧ق.
١١. تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، بیروت، دارالفکر، ١٤١٥ق.
١٢. تخريج الاحادیث و الآثار، زیلعی، ریاض، دار ابن خزیمه، اول، ١٤١٤ق.

١٣. تذكرة الحفاظ، محمد بن احمد ذهبي، بيروت، دار احياء التراث العربي، بي تا.
١٤. تفسير الآلو سي، سيد محمود آلو سي، تحقيق: محمود شكري، بيروت، دار احياء التراث العربي، چهارم، ١٤٠٥ق.
١٥. تفسير القرطبي، محمد بن احمد قرطبي، تحقيق: احمد عبدالعليم بردوني، بيروت، دار احياء التراث العربي، دوم، ١٤٠٥ق.
١٦. تهذيب التهذيب، احمد بن على بن حجر عسقلاني، بيروت، دار الفكر، اول، ١٤٠٤ق.
١٧. تهذيب الكمال، يوسف مزى، تحقيق: بشار عواد معروف، بيروت، مؤسسة الرسالة، چهارم، ١٤٠٦ق.
١٨. جواهر المطالب، محمد بن احمد دمشقي، تحقيق: محمد باقر محمودي، قم، دار احياء الثقافة الاسلاميه، اول، ١٤١٥ق.
١٩. خ صائص امير المؤمنين عليه السلام، احمد بن شعيب نسائي، تحقيق: محمدهادي اميني، تهران، مكتبة نينوى الحديث.
٢٠. الدر المنثور، جلال الدين سيوطي، بيروت، دار المعرفة، بي تا.
٢١. السنة، عمرو بن ابي عاصم، بيروت، المكتب الاسلامي، سوم، ١٤١٣ق.
٢٢. سنن ابن ماجه، محمد بن يزيد ابن ماجه قزويني، بيروت، دار الفكر.
٢٣. سنن الترمذي، ابو عيسى محمد بن عيسى ترمذي، تحقيق: عبدالوهاب عبداللطيف، بيروت، دار الفكر، دوم، ١٤٠٣ق.

٢٤. السنن الكبرى، احمد بن شعيب نسائي، بيروت، دار الكتب العلمية، اول، ١٤١١ق.
٢٥. سير اعلام النبلاء، محمد بن احمد ذهبي، تحقيق: شعيب ارنووط و حسين اسد، بيروت، مؤسسة الرسالة، نهم، ١٤١٣ق.
٢٦. السيرة الحلبية، حلي، بيروت، دار المعرفة، ١٤٠٠ق.
٢٧. السيرة النبوية، محمد ابن كثير دمشقي، بيروت، دار المعرفة، ١٣٩٦ق.
٢٨. شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، حاكم حسكاني عبيد الله بن احمد، تحقيق: محمدباقر محمودي، تهران، وزارت ارشاد، اول، ١٤١١ق.
٢٩. صحيح ابن حبان، ابن حبان بستي، تحقيق: شعيب ارنووط، بيروت، مؤسسة الرسالة، دوم، ١٤١٤ق.
٣٠. الصواعق المحرقة، احمد بن حجر هيثمي مكي، تحقيق: عبد الوهاب عبد اللطيف، قاهره، مكتبة القاهرة، دوم، ١٣٨٥ق.
٣١. الغدير، عبد الحسين احمد اميني نجفي، بيروت، دار الكتاب العربي، چهارم، ١٣٩٧ق.
٣٢. فتح الباري، احمد بن علي ابن حجر عسقلاني، بيروت، دار المعرفة، دوم.
٣٣. الفصول المهمة، علي بن محمد ابن صباغ مالكي، تحقيق: سامي غريزي، قم، دارالحديث، اول، ١٤٢٢ق.
٣٤. فضائل الصحابة، احمد بن شعيب نسائي، بيروت، دار الكتب العلمية، بي تا.
٣٥. فلك النجاة، فتح الدين علي محمد حنفي، تحقيق: اصغر علي محمد، مؤسسة دارالاسلام،

دوم، ١٤١٨ق.

٣٦. فيض القدير، محمد عبدالرووف مناوي، تحقيق: احمد عبدالسلام، بيروت، دار الكتب

العلمية، اول، ١٤١٥ق.

٣٧. الكشف و البيان، ثعلبي، تحقيق: ابو محمد بن عا شور و نظير ساعدي، بيروت، دار احياء

التراث العربي، اول، ١٤٢٢ق.

٣٨. مجمع الزوائد، علي بن ابي بكر هيثمي، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤٠٨ق.

٣٩. المستدرک على الصحيحين، ابو عبدالله حاكم نيشابوري، تحقيق: يوسف عبدالرحمن

مرعشلي، بيروت، دار المعرفة، بي تا.

٤٠. مسند ابن حنبل، احمد بن حنبل، بيروت، دار صادر، بي تا.

٤١. مسند ابي يعلى، ابو يعلى احمد بن علي مو صلي، تحقيق: حسين سليم اسد، دم شق،

دارالمأمون.

٤٢. مسند البزار، احمد بن عمرو بزار، تحقيق: محفوظ عبدالرحمن و عادل بن سعد و صبري

عبدالخالق، المدينة، مكتبة العلوم و الحكم، اول، ٢٠٠٩م.

٤٣. مشكل الآثار، احمد بن محمد طحاوي، تحقيق: شعيب ارنووط، بيروت، مؤسسة الرسالة،

بي تا.

٤٤. المصنف، ابن ابي شيبه كوفي، بيروت، دارالفكر، اول، ١٤٠٩ق.

٤٥. معارج الوصول، محمد بن يوسف زرندي، تحقيق: ماجد بن احمد عطية، بي تا.

۴۶. المعجم الاوسط، سليمان بن احمد طبرانی، تحقيق: طارق بن عوض الله و عبد الحسن بن ابراهيم، دار الحرمين، ۱۴۱۵ق.

۴۷. المعجم الصغير، سليمان بن احمد طبرانی، بيروت، دار الكتب العلمية، بی تا.

۴۸. المعجم الكبير، سليمان بن احمد طبرانی، تحقيق: حمدي عبد المجيد سلفی، بيروت، دار احیاء التراث العربی، دوم، بی تا.

۴۹. مناقب علی بن ابی طالب عليه السلام، علی بن محمد بن مغزلی، تهران، سبط النبی، اول، ۱۴۲۶ق.

۵۰. المناقب لابن مردويه، احمد بن موسى بن مردويه، تحقيق عبدالرزاق محمد حسين، قم، دار الحديث، ۱۳۸۰ش.

۵۱. المناقب للخوارزمی، موفق بن احمد خوارزمی، تحقيق: مالک محمودی، قم، جامعه مدرسین، دوم، ۱۴۱۱ق.

۵۲. نظم المتناثر من الحديث المتواتر، محمد جعفر كتانی، مصر، دار السلفیه، دوم، بی تا.

۵۳. نظم درر السمطين، محمد بن يوسف زرندي، مكتبة الامام امير المؤمنين عليه السلام، اول، ۱۳۷۷ق.

۵۴. «نقدی بر شیعه شناسی و هابیان (۱)»، حسین احسانی فر، فصل نامه علوم و معارف قرآن و حدیث، ش ۲، بهار ۱۳۹۴.

۵۵. نهج البلاغه، شریف رضی، قم، دار الذخائر، اول، ۱۳۷۰ش.

۵۶. ینایع الموده، سلیمان بن ابراهیم قندوزی، تحقیق: سید علی جمال ح سینی، تهران، دار
الاسوه، اول، ۱۴۱۸ق.

۵۷. صفحه توئیتر حسین مؤید <https://twitter.com/hussenalmoyd>

۵۸. سایت حسین مؤید <http://www.almoaiyad.com>